

## تأملی بر تضمینات کیفری در حمایت از حقوق شهروندی

شب‌نم رجبیان اصل ( دانشجوی دوره کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات استان آذربایجان شرقی)

### چکیده

حقوق شهروندی که در برگزیده شمار بسیاری از حقوق و آزادی‌های اساسی مردم بوده و مبتنی بر منابع حقوقی کشورهاست، جهت حمایت از مردم در برابر قدرت فرمانروایان مورد شناسایی قرار می‌گیرد. با وجود این واقعیت این است که صرف شناسایی حقوق شهروندی در قوانین داخلی کشورها بلاخص قانون اساسی به تضمین مؤثر و مطلوب حقوق ملت منتهی نمی‌شود و این مهم نیازمند طراحی سازوکارهای تضمینی دیگری نیز می‌باشد. در این راستا در مقاله حاضر تضمینات کیفری موضوع قانون اساسی ایران مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته بدین ترتیب که اصول ۲۲، ۲۴، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، و ۳۹ قانون اساسی که از موارد مهم تحقق حقوق شهروندی می‌باشد؛ به صورت عام در ماده ۵۷۰ و به طور خاص در مواد ۵۷۲، ۵۷۵، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، و ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی و در مواد ۴۸، ۱۳۹، ۱۹۰، ۲۵۵، و ۳۵۲ قانون آیین داری کیفری مورد تضمین کیفری قرار گرفته است و در نهایت چنین نتیجه‌گیری شده است که در نظام حقوقی ایران برخی تضمینات اساسی کیفری در جهت تحقق این امر مورد پیش بینی قرار گرفته است که به شرط رعایت دقیق آنها می‌توان به تضمین حقوق شهروندی در کشور امیدوار بود. اگر چه نمی‌توان در این رابطه وجود برخی چالش‌های نظری و عملی را نیز از نظر دور داشت.

**واژگان کلیدی:** قانون اساسی، حقوق شهروندی، تضمینات کیفری و چالش‌ها.

قانون اساسی همان طور که از نامش پیداست مجموعه قواعدی است که حاکم بر اساس حکومت و صلاحیت قوای مملکت و حقوق و آزادیهای فرد و جامعه و روابط فیما بین آنهاست. یکی از بخش های مهم قانون اساسی هر کشوری، بخش حقوق شهروندی است. این بخش مهم ترین رکن قوانین اساسی دنیا به شمار می آید؛ زیرا در این بخش است که اسب سرکش قدرت با لجام قانون اساسی محدود می شود و بدین دلیل کشورهای مختلف جهان می کوشند آن را سرلوحه ی فصول قانون اساسی و درخشان ترین فصل آن قرار دهند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اصول متعددی را به حقوق و آزادی های فردی، اجتماعی، قضایی و امنیتی ملت اختصاص داده است که این امر نشان از توجه ویژه قانون اساسی کشورمان به حوزه مقدس حقوق شهروندی دارد. با این حال تجربه طولانی تاریخ بشر حکایت از آن دارد که قوانین اساسی دنیا به جهت ماهیت خاص و حساس خود معمولاً در معرض انواع و اقسام بی مهری ها قرار گرفته و نقض و عدم اجرای آنها به رویه ای معمول تبدیل می گردد و اینجاست که تضمین برتری و صیانت از قانون اساسی و حقوق شهروندی مندرج در آن، جز در پرتو طراحی ساز و کارهای تضمینی و حمایتی که اجرای دقیق و صحیح آن را موجب شود امکانپذیر نمی باشد. بر این اساس گفته شده است که هر گاه قانونی نقض شود، قدرت عمومی برای حفظ حقوقی که ضمن آن قانون تباه شده، بکار می افتد و عکس العمل نشان می دهد به این عکس العمل، ضمانت اجرا می گویند (جعفری لنگرودی ۱۳۸۷، ص ۲۴۲). لذا در این مقاله، بررسی تضمینات حقوقی حقوق شهروندی در بخش تضمینات کیفری مورد توجه قرار گرفته است که در مباحث بعدی به آن پرداخته می شود.

## ۲- تضمینات کیفری مندرج در قانون مجازات اسلامی

تضمین کیفری حقوق شهروندی، یکی از مهمترین جنبه های تضمین حقوق شهروندی در ایران است. از این روست که قانونگذار ایرانی، طی مواد متعددی، محروم نمودن افراد ملت از حقوق شهروندی مقرر در قانون اساسی را جرم انگاری نموده و در این رابطه، ضمانت اجراهای کیفری قابل توجهی را پیش بینی کرده است. بخشی از این تضمینات در قانون مجازات اسلامی درج گردیده است؛ به گونه ای که فصل دهم قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) از ماده ۵۷۰ الی ۵۸۷ تحت عنوان «تقصیرات مقامات و مأموران دولتی» به این امر مهم اختصاص داده شده است. قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۷۰<sup>۱</sup> خود برای مقامات و مامورین وابسته به نهادها و دستگاه های حکومتی که بر خلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کنند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نمایند مجازات تعیین کرده است. «این ماده را می توان ضمانت اجرای عام بخشی از حقوق ملت مقرر در فصل سوم قانون اساسی دانست». (شمس ناتری، ۱۳۸۷، ص ۱۰) در واقع قانون گذار در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی به طور مطلق به «حقوق مقرر در قانون اساسی» اشاره کرده است، عبارتی که نسبت به عنوان فصل سوم قانون اساسی عام تر است ولی در کنار آن به «آزادی شخصی افراد ملت» نیز اشاره کرده است. (رحمدل، ۱۳۹۱، ص ۷) به طور مثال این ماده ضمانت اجرای اصول ۲۴، ۳۴، ۳۵، ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی است. بنابراین ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی در قالب یک تکلیف عام بیان شده، پس طبیعتاً تمامی حقوق شهروندی ملت را که در فصل سوم قانون اساسی مفصلاً از آنها بحث شده در بر می گیرد.

از سویی دیگر در برخی مواد پراکنده قانون مجازات اسلامی نیز می توان تضمینات کیفری خاصی را در رابطه با برخی حقوق شهروندی یافت. برای نمونه، جان انسانها محترم بوده و نمی توان خودسرانه کسی را از حق حیات محروم نمود و نهاد حاکمیت و خصوصاً دولت به عنوان مجری قانون اساسی مکلف به تامین این مصونیت است و مواد متعددی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در این رابطه مورد تصویب قرار گرفته است.

<sup>۱</sup> ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاههای حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

همچنین این قانون، در راستای حمایت از حقوق دفاعی متهمین و حقوق و آزادی‌های اساسی ملت در اصل ۳۲ قانون اساسی، نه تنها از اصل آزادی اعمال و رفتار در چارچوب مقررات حمایت نموده و دستگیری خود سرانه و خارج از ضوابط قانونی اشخاص را ممنوع و قابل تعقیب کیفری دانسته است بلکه در صورت بازداشت یا دستگیری قانونی شخص به اتهام ارتکاب جرم، به حق اطلاع فوری متهم از اتهام مطروحه و دلایل آن به نحو کتبی تصریح نموده است. ضمانت اجرای کیفری اخلال به اصل مزبور در ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است. این ماده می‌گوید: «هرگاه مقامات قضایی یا دیگر مامورین ذیصلاح برخلاف قانون توقیف یا دستور یا تعقیب جزائی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به انفصال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد».

به علاوه، یکی از اصول مهم حقوق مدنی و کیفری که متضمن حفظ شرافت و حیثیت افراد جامعه و مانع تجاوز به حقوق شهروندی در جوامع مدنی متمدن است، اصل برائت<sup>۲</sup> می‌باشد. در حقوق کیفری، اشخاص برخوردار از فرضیه بی گناهی هستند. به این معنی که اصل بر عدم ارتکاب رفتار مجرمانه توسط شهروندان است مگر اینکه بر حسب مورد شاکی خصوصی و یا مقام تعقیب جامعه و یا در جرایمی که صرفاً جنبه عمومی دارند، مقام تعقیب بتواند با قرائن و دلایل کافی نزد دادگاه صالح و بی طرف و در یک دادرسی منصفانه که کلیه حقوق دفاعی شخص در آن تضمین گردیده، خلاف آنرا نسبت به طرف دعوای خود ثابت کند. این ماده همچنین ضمانت اجرای اصل برائت نیز می‌باشد.

همچنین طبق ماده ۵۷۲: «هر گاه شخصی بر خلاف قانون حبس شده باشد و در خصوص حبس غیر قانونی خود شکایت به ضابطین دادگستری یا مأمورین انتظامی نموده و آنان شکایت او را استماع نکرده باشند و ثابت نمایند که تظلم او را به مقامات ذیصلاح اعلام و اقدامات لازم را معمول داشته‌اند به انفصال دائم از همان سمت و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت سه تا پنج سال محکوم خواهند شد».

یکی دیگر از حقوق شهروندی، اصل قانونی بودن جرم و مجازات «اصل ۱۶۹ قانون اساسی» می‌باشد. به موجب این اصل، هیچ فعل و ترک فعلی یا بطور کلی رفتاری، دارای وصف مجرمانه و قابل مجازات یا اقدام تامینی نیست، مگر آنکه قبلاً از سوی مقنن دارای وصف مذکور گردیده و طی تشریفات مقرر قانونی به مردم ابلاغ شده باشد. در این خصوص نیز، طبق ماده ۵۷۹ قانون مذکور: «چنانچه هر یک از مأمورین دولتی محکومی را سخت‌تر از مجازاتی که مورد حکم است مجازات کند یا مجازاتی کند که مورد حکم نبوده است به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنانچه این عمل به دستور فرد دیگری انجام شود فقط آمر به مجازات مذکور محکوم می‌شود و چنانچه این عمل موجب قصاص یا دیه باشد مباشر به مجازات آن نیز محکوم می‌گردد و اگر اقدام مزبور متضمن جرم دیگری نیز باشد مجازات همان جرم حسب مورد نسبت به مباشر یا آمر اجرا خواهد شد».

همچنین، امنیت مسکن که برخی از حقوقدانان (طباطبایی مومنی، ۱۳۸۸، ص ۴۱) آن را مظهر سکون و آرامش انسانها می‌دانند و در اصل ۲۲ قانون اساسی به تعرض ناپذیری آن اشاره شده است، در ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی مورد حمایت قرار گرفته است. این ماده مقرر می‌نماید: «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضائی یا غیر قضائی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد مگر این که ثابت نماید به امر یکی از روسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد».

امنیت حیثیت نیز که به موجب اصل فوق از اصول غیر قابل تعرض است و در حقوق اسلامی نیز اهمیت آن تا به آن حد است که لطمه وارد کردن به حیثیت و شرف و شخصیت مؤمن را حتی برای خود شخص نیز جایز نمی‌داند (حر عاملی، ۱۴۱۶، ص

<sup>۲</sup> - اصل ۳۷ قانون اساسی: اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود.

۴۲۴)، در ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی مورد تضمین قرار گرفته است. این ماده مقرر می‌دارد: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک، چنانچه موجب حد قذف نباشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود».

به علاوه در اصل ۳۸ قانون اساسی شکنجه مطلقاً ممنوع اعلام شده است. زیرا حفظ کرامت و ارزش والای انسانی ایجاب می‌نماید تا شخصیت، جسم و روان فرد مصون از هر گونه آزار و اذیت باشد. (یاوری، ۱۳۸۳، ص ۱۴)

در صیانت از این اصل، قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۷۸ مقرر می‌دارد: «هر یک از مستخدمین و مامور قضایی یا غیر قضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانکه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند، مباشر، مجازات قاتل و آمر، مجازات آمر قتل را خواهد داشت».

### ۳- تضمینات کیفری مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری

از طرف دیگر در مقررات قانون آیین دادرسی کیفری نیز شاهد رسمیت یافتن تضمینات کیفری متعددی هستیم. برای نمونه، قرار بازداشت به منظور انجام دادن تحقیقات مقدماتی، شدیدترین قرار تأمینی است که ممکن است برای متهم صادر شود. این بازداشت با توجه به اینکه مغایر با اصل برائت است موارد صدور آن باید محدود باشد. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در تضمین حقوق متهم برای جبران خسارت مدت بازداشت موقت (اصل ۳۷ ق.۱) در ماده ۲۵۵ بیان می‌دارد: «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کند».

همچنین، انتخاب وکیل<sup>۳</sup> برای طرفین دعوا به عنوان حقوق اولیه ی هر فرد در کلیه دعاوی به شمامی‌رود.

(فضائلی، ۱۴۸۶، ص ۲۰) که قانون گذار در چارچوب حمایت مؤثر از حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل، ضمانت اجرایی را پیش بینی کرده است. در این راستا، در ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای وکیل کند...». و بر پایه ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد، این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود...».

همچنین تبصره ۱ این ماده به صراحت بیان کرده است که سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم، به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه می‌گردد.

در خصوص حق امنیت مسکن که در اصل ۲۲ قانون اساسی به آن اشاره شده است قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۱۳۹ بیان می‌دارد: «چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص در تزامم باشد، در صورتی مجاز است که از حقوق آنها مهم باشد». بنابراین قانونگذار با وضع این ماده توانسته است امنیت مسکن شهروندان را تأمین کند و از تجاوز به حریم خصوصی آنها جلوگیری کند و با ناقضین این اصل قاطعانه برخورد کند.

همچنین ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری در حمایت از اصل ۱۶۵ قانون اساسی تصریح می‌دارد که «محاکات دادگاه علنی است، مگر در جرایم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیر علنی بودن محاکمات را در خواست کند». و در تبصره این ماده آمده است که منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است که در راستای تضمین این اصل تبصره ماده مذکور دادگاه را مکلف به صدور قرار غیر علنی کرده است و عدم توجه به این امر را موجب محکومیت انتظامی دانسته است.

موارد مذکور به عنوان نمونه هایی از تضمین های کیفری حقوق شهروندی نشان از توجه ویژه قانونگذار به این امر مهم دارد. اما تا چه اندازه تضمینات یاد شده در این مقاله توانسته از حقوق شهروندی در جامعه و بالاخص در مراجع قضایی پاسداری کند جای تأمل دارد و تحقیق گسترده ای را می‌طلبد.

### ۴- نتیجه گیری

قانون اساسی به عنوان مهم‌ترین قانون در تعریف حدود آزادی های ملت، از یک سو مرز آزادی ملت را در برابر عملکرد قدرت و از سوی دیگر، حدود اعمال قوای عمومی را در برخورد با حوزه حقوق ملت ترسیم می‌کند. به علاوه قانون اساسی مبین حدود آزادی و تضمین کننده آزادی‌های ملت نیز هست. با اینحال نظر به اینکه صرف شناسایی حقوق شهروندی در

<sup>۳</sup> اصل ۳۵ قانون اساسی: در همه ی دادگاه ها، طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

عالی ترین قانون کشور نمی تواند تضمین کاملاً موثری در راستای حمایت از حقوق شهروندی باشد، مساله تضمینات حقوقی این حق های اساسی مساله ای اجتناب ناپذیر جلوه می کند.

در این راستا، در نظام حقوقی ایران، برخی تضمینات کیفری، مورد توجه قرار گرفته است نظیر ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی که فصل سوم قانون اساسی را به صورت عام تحت حمایت خود قرار داده است و ماده ۵۷۵ این قانون از اصل ۳۲ قانون اساسی پاسداری کرده و برای ناقضین اصل مذکور مجازات سختی در نظر گرفته است. و ماده ۵۷۲ ق.م.ا نیز اصل ۳۷ ق.ا را مورد تضمین قراردادده و مجازات های بازدارنده ای در این خصوص وضع کرده است. ماده ۵۷۹ ق.م.ا نیز در صیانت از اصل ۱۶۹ ق.ا آمده است. در حمایت از اصل ۲۲ ق.ا، ماده ۵۸۰ ق.م.ا ورود غیر قانونی به منزل شهروندان را بدون اجازه جرم دانسته است و ماده ۶۰۸ نیز طبق اصل مذکور اهانت کننده به حیثیت و آبروی شهروندان را مورد مجازات قرار داده است. همچنین مطابق اصل ۳۸ ق.ا شکنجه مطلقاً ممنوع است و ماده ۵۷۸ ق.م.ا نیز در تضمین این اصل آمده است. و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۴۸ و ۱۹۰ و تبصره ۱ این ماده، ۱۳۹، ۲۵۵ و ۳۵۲ به ترتیب تضمین کننده اصول ۳۵، ۲۲، ۳۷ و ۱۶۵ قانون اساسی می باشد. و از حق داشتن وکیل و مجازات منع از این حق، همچنین از حیثیت جان، مال، مسکن شهروندان و مجازات ناقضین این اصل، از اصل برائت و مجازات نادیده گرفتن این اصل و همچنین از اصل علنی بودن دادرسی ها و جرم بودن نقض این اصل بحث می کند.

با نگاه اجمالی به این تضمینات، می توان چنین نظر داد که مجازات های در نظر گرفته برای ناقضین حقوق شهروندی، علیرغم کلیت و ابهام در دامنه و قلمرو شمول آنها، به شرط اجرای آن، از بازدارندگی قابل قبولی برای جلوگیری از نقض حقوق شهروندی برخوردار می باشند.

لذا در مجموع می توان معتقد به این امر بود که نظام حقوقی تضمین حقوق شهروندی در ایران دارای ظرفیت هایی امیدوار کننده است که اگر در مقام اجرا با مدیریت صحیح دولتمردان همراه شود، قطعاً شاهد تضمین قابل قبول حقوق شهروندی خواهیم بود. با اینحال این امر به معنای مطلوبیت کافی نظام تضمین موجود نبوده و برخی خلاهای قانونی، اجرایی، عملی و نظری در این زمینه به عنوان چالشهای اساسی این حوزه همچنان از دل مشغولی های اساسی نظام حقوق عمومی ایران است.

## منابع

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۷، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۲. حرعاملی، محمد حسین، ۱۴۱۶، وسائل الشیعه، الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دارالترتات العربی.
۳. رحمدل، منصور، ۱۳۹۱، حمایت کیفری ملت، مجله تحقیقات حقوقی آزاد، شماره هجدهم.
۴. شمس ناتری، محمد ابراهیم، ۱۳۸۷، حمایت کیفری از حقوق شهروندان در ایران، نشریه کارآگاه، شماره چهارم.
۵. فضائی، مصطفی، ۱۳۸۶، دادرسی عادلانه؛ محاکمات کیفری بین المللی، تهران، نشر دانش.
۶. طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۸، آزادی عمومی و حقوق بشر، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. یاوری، اسدالله، ۱۳۸۳، حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین، نشریه حقوق اساسی، شماره ۲.